

# شنومی معنومی

براساس نسخه نیکلسون

با گفتاری از:

دکتر عبدالحسین زرین کوب



انتشارات جاودان خرد

|                     |                                                                                                                       |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشتانه             | : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق.                                                                          |
| عنوان و نام پدیدآور | : مثنوی معنوی / [مولانا جلال الدین محمد بلخی]؛ براساس نسخه تصحیح شده ریچولد نیکلسون؛ با گفتاری از عبدالحسین زرین کوب. |
| مشخصات نشر          | : مشهد: جاودان خرد، ۱۳۸۸.                                                                                             |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۴۰۷ ص.                                                                                                             |
| شابک                | : 2 - 15 - 6030 - 964 - 978                                                                                           |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیا.                                                                                                                |
| عنوان قراردادی      | : مثنوی                                                                                                               |
| موضوع               | : شعر فارسی - - قرن ۷ ق.                                                                                              |
| شناسه افزوده        | : نیکلسون، ریچولد الین، ۱۸۹۸-۱۹۴۵ م، مصحح.                                                                            |
| شناسه افزوده        | : Nicholson, Reynold Alleyne                                                                                          |
| رده بندی کنگره      | : الف ۱۳۸۸ PIR۵۲۹۸                                                                                                    |
| رده بندی دیویی      | : ۸۵۱/۳۱                                                                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۱۶۷۳۱۹۲                                                                                                             |



## انتشارات جاودان خرد

### مثنوی معنوی

براساس نسخه نیکلسون

با گفتاری از: دکتر عبدالحسین زرین کوب

چاپ اول - ۱۳۸۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

چاپخانه دانشگاه فردوسی

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

### بخش: انتشارات گوتنبرگ

تهران - خ انقلاب رو بروی دانشگاه تهران

تلفن: ۶۶۴۶۵۶۴۰ - ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۶۶۴۰۲۵۷۹

مشهد - احمدآباد، انتشارات جاودان خرد تلفن: ۸۴۳۴۵۲۷

شابک ۲ - ۱۵ - ۶۰۳۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

## فهرست

۳۵..... مشنوی و معنوی: شریعت و طریقت - دکتر عبدالحسین زرین کوب

۴۳..... دفتر اول

۴۹..... حکایت عاشق شدن پادشاه برکنیزک و بیمار شدن کنیزک

۵۰..... ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه کنیزک و روی آوردن

۵۱..... از خداوند ولی التوفیق درخواستن توفیق رعایت ادب در

۵۲..... ملاقات پادشاه با آن ولی که در خوابش نمودند

۵۲..... بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار تا حال او را ببیند

۵۴..... خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه جهت دریافتن رنج کنیزک

۵۵..... در یافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج او را پیش پادشاه

۵۶..... فرستادن پادشاه رسولان به سمرقند به آوردن زرگر

۵۷..... بیان آنکه کشتن و زهر دادن مرد زرگر به اشارت الهی بود نه

۵۸..... حکایت بقال و طوطی و روغن ریخته طوطی در دکان

۶۱..... داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب

۶۲..... آموختن وزیر مکر پادشاه را

۶۲..... تلبیس وزیر با نصارا

۶۳..... قبول کردن نصارا مکر وزیر را

۶۳..... متابعت نصارا وزیر را

۶۶..... قصه دیدن خلیفه لیلی را

۶۶..... بیان حسد وزیر

۶۷..... فهم کردن حاذقان نصارا مکر وزیر را

۶۷..... پیغام شاه پنهان با وزیر

۶۷..... بیان دوازده سبط از نصارا

۶۷..... تخلیط وزیر در احکام انجیل

۶۹..... بیان آن که این اختلافات در صورت روش است نه در حقیقت راه

- بیان خسارت وزیر در این مکر..... ۷۰
- مکر دیگر انگیزختن وزیر در اضلال قوم..... ۷۱
- دفع گفتن وزیر مریدان را..... ۷۲
- مکّر کردن مریدان که خلوت را بشکن..... ۷۲
- جواب گفتن وزیر که خلوت را نمی شکنم..... ۷۳
- اعتراض مریدان در خلوت وزیر..... ۷۳
- نومید کردن وزیر مریدان را از رفض خلوت..... ۷۵
- ولی عهد ساختن وزیر هریک امیر را جدا جدا..... ۷۵
- کشتن وزیر خویشتن را در خلوت..... ۷۶
- طلب کردن اَمّت عیسی علیه السلام از امرا که ولی عهد از شما کدام است..... ۷۶
- منازعتِ امرا در ولی عهدی..... ۷۷
- تعظیم نعت مصطفی علیه السلام که مذکور بود در انجیل..... ۷۹
- حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی نمود..... ۷۹
- به سخن آمدن طفل در میان آتش و تحریض کردن خلق را..... ۸۱
- کج ماندن دهان آن مرد که نام محمد را علیه السلام..... ۸۲
- عتاب کردن آتش را آن پادشاه جهود..... ۸۳
- قصه باد که در عهد هود علیه السلام قوم عاد را هلاک کرد..... ۸۴
- طنز و انکار کردن پادشاه جهود و قبول نکردن نصیحت خاصان خویش..... ۸۵
- بیان توکل و ترک جهد گفتن نخجیران به شیر..... ۸۶
- جواب گفتن شیر نخجیران را و فایده جهد گفتن..... ۸۶
- ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر جهد و اکتساب..... ۸۶
- ترجیح نهادن شیر جهد و اکتساب را بر توکل و تسلیم..... ۸۷
- ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر اجتهاد..... ۸۷
- باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل..... ۸۸
- باز ترجیح نهادن نخجیران توکل را بر جهد..... ۸۸
- نگریستن عزرائیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان..... ۸۹
- باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن..... ۸۹
- مقرر شدن ترجیح جهد بر توکل..... ۹۱
- انکار کردن نخجیران بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر..... ۹۱
- جواب گفتن خرگوش نخجیران را..... ۹۱
- اعتراض نخجیران بر سخن خرگوش..... ۹۱

|     |                                                                                                 |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۹۱  | جواب خرگوش نخجیران را.....                                                                      |
| ۹۲  | ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانستن.....                                                 |
| ۹۳  | بازطلبیدن نخجیران از خرگوش سرّ اندیشه او را.....                                                |
| ۹۳  | منع کردن خرگوش راز را از ایشان.....                                                             |
| ۹۳  | قصّه مکر خرگوش.....                                                                             |
| ۹۴  | زیافت تأویل رکبیک مگس.....                                                                      |
| ۹۵  | تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش.....                                                               |
| ۹۵  | هم در بیان مکر خرگوش.....                                                                       |
| ۹۷  | رسیدن خرگوش به شیر و خشم شیر بر وی.....                                                         |
| ۹۸  | عذر گفتن خرگوش.....                                                                             |
| ۹۹  | جواب گفتن شیر خرگوش را و روان شدن با او.....                                                    |
| ۹۹  | قصّه هدهد و سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید چشمهای روشن بسته شود.....                           |
| ۱۰۰ | طعنه زاع در دعوی هدهد.....                                                                      |
| ۱۰۱ | جواب گفتن هدهد طعنه زاع را.....                                                                 |
| ۱۰۱ | قصّه آدم علیه السلام و بستن قضا نظر او را از مراعات صریح.....                                   |
| ۱۰۲ | پای واپس کشیدن خرگوش از شیر چون نزدیک چاه رسید.....                                             |
| ۱۰۴ | پرسیدن شیر از سبب پای واپس کشیدن خرگوش.....                                                     |
| ۱۰۴ | نظر کردن شیر در چاه و دیدن عکس خود را و آن خرگوش را.....                                        |
| ۱۰۵ | مژده بردن خرگوش سوی نخجیران که شیر در چاه افتاد.....                                            |
| ۱۰۶ | جمع شدن نخجیران گرد خرگوش و ثنا گفتن او را.....                                                 |
| ۱۰۷ | پند دادن خرگوش نخجیران را که بدین شاد مشوید.....                                                |
| ۱۰۷ | تفسیر رجعنا من الجتهاد الأصغر إلى الجتهاد الأكبر.....                                           |
| ۱۰۸ | آمدن رسول روم تا نزد عمر (رض) و دیدن او کرامات عمر را.....                                      |
| ۱۰۹ | یافتن رسول روم عمر را (رض) خفته در زیر درخت.....                                                |
| ۱۰۹ | سلام کردن رسول روم بر عمر (رض).....                                                             |
| ۱۱۰ | سؤال کردن رسول روم از عمر (رض).....                                                             |
| ۱۱۱ | اضافت کردن آدم آن زلت را به خویشان که ربنا ظلمنا و.....                                         |
| ۱۱۳ | تفسیر وَهُوَ مَعَكُمْ أَئِنَّمَا كُتِّمٌ.....                                                   |
| ۱۱۳ | سؤال کردن رسول روم از عمر (رض) از سبب ابتلای ارواح.....                                         |
| ۱۱۴ | با این آب و گل اجساد.....                                                                       |
| ۱۱۴ | در معنی آنکه مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ..... |

- ۱۱۴..... قصه بازرگان که طوطی محبوس او، او را پیغام داد به.....
- ۱۱۶..... صفت اجنحه طیور عقول الهی.....
- ۱۱۶..... دیدن خواجه طوطیان هندوستان را در دشت و پیغام.....
- ۱۱۷..... تفسیر قول فریدالدین عطار قدس الله روحه.....
- ۱۱۷..... تعظیم ساحران مرموسی را علیه السلام که چه فرمایی.....
- ۱۱۹..... بازگفتن بازرگان با طوطی آنچه دید از طوطیان هندوستان.....
- ۱۲۱..... شنیدن آن طوطی حرکت آن طوطیان و مردن آن طوطی در.....
- ۱۲۳..... تفسیر قول حکیم.....
- ۱۲۶..... رجوع به حکایت خواجه تاجر.....
- ۱۲۶..... برون انداختن مرد تاجر طوطی را از قفس و پریدن طوطی مرده.....
- ۱۲۷..... وداع کردن طوطی خواجه را و پریدن.....
- ۱۲۷..... مضرت تعظیم خلق و انگشت نمای شدن.....
- ۱۲۷..... تفسیر ماشاء الله کان.....
- ۱۳۰..... داستان پیرچنگی که در عهد عمر (رض) از بهر خدا روز بی نوایی.....
- ۱۳۱..... در بیان این حدیث که إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِی أَسْمَاءٍ دَهْرًا تَقَحَّاتُ.....
- ۱۳۴..... قصه سزال کردن عایشه (رض) از مصطفی علیه السلام که امروز.....
- ۱۳۵..... تفسیر بیت حکیم.....
- ۱۳۶..... در معنی این حدیث که اغتتموا برد الزیج الی آخره.....
- ۱۳۶..... پرسیدن صدیقه (رض) از پیامبر (ص) که سر باران امروزیته چه بود.....
- ۱۳۷..... بقیه قصه پیر چنگی و بیان مخلص آن.....
- ۱۳۸..... در خواب گفتن هاتف مر عمر (رض) را که چندین زر از.....
- ۱۹..... نالیدن ستون حنانه چون برای پیغامبر علیه السلام منبر ساختند که.....
- ۱۴۰..... اظهار معجزه پیغامبر علیه السلام به سخن آمدن سنگ ریزه.....
- ۱۴۱..... بقیه قصه مطرب و پیغام رسانیدن عمر (رض) به او آنچه.....
- ۱۴۲..... گردانیدن عمر (رض) نظر او را از مقام گریه که هستی است.....
- ۱۴۳..... تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری منادی.....
- ۱۴۴..... قصه خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته.....
- ۱۴۵..... قصه اعرابی درویش و ماجرای زن با او به سبب قلت و درویشی.....
- ۱۴۵..... مغرور شدن مریدان محتاج به مدعیان مزور و ایشان را شیخ و.....
- ۱۴۶..... در بیان آن که نادر افتد که مریدی در مدعی مزور اعتقاد به صدق.....
- ۱۴۷..... صبر فرمودن اعرابی زن خود را و فضیلت صبر و فقر بیان کردن با زن.....

|                                                                                              |     |
|----------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| نصیحت کردن زن مر سوی را که سخن افزون از قدم و از مقام خود.....                               | ۱۴۸ |
| نصیحت کردن مرد مر زن را که در فقیران به خواری منگر و.....                                    | ۱۴۸ |
| در بیان آنکه جنبیدن هر کسی از آنجا که وی است هر کس را از.....                                | ۱۵۰ |
| مراعات کردن زن شوهر را و استغفار کردن از گفته خویش.....                                      | ۱۵۱ |
| در بیان این خبر که إِنَّهُمْ يَغْلِبُونَ الْعَاقِلَ وَيَغْلِبُهُنَّ الْجَاهِلُ.....          | ۱۵۳ |
| تسلیم کردن مرد خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت و.....                              | ۱۵۳ |
| در بیان آنکه موسی و فرعون هردو مسخر مشیت اند.....                                            | ۱۵۴ |
| سبب حرمان اشقیاء از دو جهان که خَسَر الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ.....                            | ۱۵۵ |
| حقیر و بی خصم دیدن دیده های حس صالح و ناقة صالح را، چون.....                                 | ۱۵۶ |
| در معنی آن که مَرْجُ البَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ.....    | ۱۵۹ |
| در معنی آنکه آنچه ولی کند مرید را نشاید گستاخی کردن و.....                                   | ۱۶۰ |
| مخلص ماجرای عرب و جفت او.....                                                                | ۱۶۱ |
| دل نهادن عرب بر التماس دلبر خویش و سوگند خوردن که.....                                       | ۱۶۲ |
| تعیین کردن زن طریق طلب روزی کدخدای خود را و قبول کردن او.....                                | ۱۶۴ |
| هدیه بردن عرب سبوی آب باران از میان بادیه سوی بغداد.....                                     | ۱۶۵ |
| در نمد دوختن زن عرب سبوی آب باران را و مهر نهادن بر.....                                     | ۱۶۶ |
| در بیان آنکه چنانکه گدا عاشق کرم است و عاشق کریم، کرم.....                                   | ۱۶۷ |
| فرق میان آنکه درویش است به خدا و تشنه خدا و میان آنکه.....                                   | ۱۶۸ |
| پیش آمدن نقیبان و دربانان خلیفه از بهر اِکرام اعرابی و.....                                  | ۱۶۹ |
| در بیان آنکه عاشق دنیا بر مثال عاشق دیواری است که براو.....                                  | ۱۶۹ |
| مَثَلُ عَرَبٍ إِذَا زَنَيْتَ فَازِنٌ بِالْحُرَّةِ وَإِذَا سَرَقْتَ فَاسْرِقُ الدُّرَّةِ..... | ۱۶۹ |
| سپردن عرب هدیه را یعنی سبوی را به غلامان خلیفه.....                                          | ۱۷۰ |
| حکایت ماجرای نحوی و کشتیبان.....                                                             | ۱۷۱ |
| قبول کردن خلیفه هدیه را و عطا فرمودن با کمال بی نیازی از.....                                | ۱۷۱ |
| در صفت پیر و مطاوعت وی.....                                                                  | ۱۷۵ |
| وصیت کردن رسول (ص) علی علیه السلام را که چون هر کسی.....                                     | ۱۷۶ |
| کبودی زدن قزوینی بر شانگاه صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب.....                              | ۱۷۷ |
| رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار.....                                                    | ۱۷۸ |
| امتحان کردن شیر گرگ را و گفتن که پیش آی ای گرگ.....                                          | ۱۷۹ |
| قصه آنکس که در یاری بکوفت از درون گفت کیست گفت.....                                          | ۱۸۰ |
| صفت توحید.....                                                                               | ۱۸۱ |

- ادب کردن شیر گرگ را که در قسمت بی ادبی کرده بود..... ۱۸۲
- تهدید کردن نوح علیه السلام مرقوم را که با من میپیچید که..... ۱۸۳
- نشان دادن پادشاهان صوفیان عارف را پیش روی خویش تا..... ۱۸۴
- آمدن مهمان پیش یوسف علیه السلام و تقاضا کردن یوسف..... ۱۸۴
- گفتن مهمان یوسف علیه السلام را که آینه آورد مت ارمغان تا..... ۱۸۶
- مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد آن آیت را..... ۱۸۷
- دعا کردن بلعم با عور که موسی و قومش را از این شهر که..... ۱۹۰
- اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی..... ۱۹۱
- باقی قصه هاروت و ماروت و نکال و عقوبت ایشان هم در..... ۱۹۲
- به عبادت رفتن کز برهمسایه رنجور خویش..... ۱۹۳
- اول کسی که در مقابله نص قیاس آورد ابلیس بود..... ۱۹۴
- در بیان آنکه حال خود و مستی خود پنهان باید داشت از جاهلان..... ۱۹۶
- قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری..... ۱۹۷
- پرسیدن پیغامبر علیه السلام مرزید را امروز چونی و چون..... ۱۹۹
- متهم کردن غلامان و خواجه تاشان مر لقمان را که آن..... ۲۰۲
- بقیه قصه زید در جواب رسول علیه السلام..... ۲۰۳
- گفتن پیغامبر علیه السلام مرزید را که این سر را فاش تر از..... ۲۰۵
- رجوع به حکایت زید..... ۲۰۵
- آتش افتادن در شهر به ایام عمر (رض)..... ۲۰۷
- خدا و انداختن خصم در روی امیر المؤمنین علی علیه السلام و..... ۲۰۸
- سؤال کردن آن کافر از امیر المؤمنین علی (ع) که بر چون منی..... ۲۱۰
- جواب گفتن امیر المؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست..... ۲۱۰
- گفتن پیغامبر علیه السلام به گوش رکابدار امیر المؤمنین علی (ع)..... ۲۱۳
- تعجب کردن آدم علیه السلام از ضلالت ابلیس لعین و تعجب آوردن..... ۲۱۵
- بازگشتن به حکایت امیر المؤمنین علی (ع) و مسامحت کردن او..... ۲۱۶
- افتادن رکابدار هرباری پیش علی (ع) که ای امیر المؤمنین از..... ۲۱۷
- بیان آن که فتح طلبیدن پیغامبر علیه السلام مکه را و غیر مکه را..... ۲۱۷
- گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام با قرین خود که چون خدو..... ۲۱۸
- خاتمه دفتر اول..... ۲۱۹

|     |                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------|
| ۲۲۴ | دفتر دوم                                                        |
| ۲۲۹ | هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عمر (رض)                     |
| ۲۳۰ | دزدیدن مارگیر ماری را از مارگیری دیگر                           |
| ۲۳۰ | التماس کردن همراه عیسی علیه السلام زنده کردن استخوانها را از او |
| ۲۳۱ | اندر زکردن صوفی خادم را در تیمار داشت بهیمه و لاحول گفتن خادم   |
| ۲۳۳ | بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع به                   |
| ۲۳۳ | استماع ظاهر صورت حکایت                                          |
| ۲۳۸ | یافتن پادشاه باز را به خانه کمپیر زن                            |
| ۲۴۰ | حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه قدس الله سره العزیز                  |
| ۲۴۳ | ترسانیدن شخصی زاهد را که کم گری تا کور نشوی                     |
| ۲۴۳ | تمامی قصه زنده شدن استخوانها به دعای عیسی علیه السلام           |
| ۲۴۵ | خاریدن روستایی در تاریکی شیر را به گمان آنکه گاو اوست           |
| ۲۴۶ | فروختن صوفیان بهیمه مسافر راجعت سماع                            |
| ۲۴۸ | تعریف کردن منادیان قاضی مفلسی را گرد شهر                        |
| ۲۵۰ | شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن مفلس               |
| ۲۵۴ | مثل                                                             |
| ۲۵۶ | ملامت کردن مردم شخصی را که مادرش را کشت به تهمت                 |
| ۲۵۹ | امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود                     |
| ۲۵۹ | به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام و از این دیگر پرسیدن       |
| ۲۶۱ | قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود                  |
| ۲۶۷ | حسد کردن حشم بر غلام خاص                                        |
| ۲۷۲ | کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب                         |
| ۲۷۴ | فرمودن والی آن مرد را که این خارین را که نشاندای بر سر راه برکن |
| ۲۷۵ | آفت تأخیر خیرات به فردا                                         |
| ۲۸۰ | آمدن دوستان به بیمارستان جهت پرسش ذوالنون مصری                  |
| ۲۸۲ | فهم کردن مریدان که ذوالنون دیوانه نشده است قاصد کرده است        |
| ۲۸۲ | رجوع به حکایت ذوالنون                                           |
| ۲۸۳ | امتحان کردن خواجه لقمان زیرکی لقمان را                          |
| ۲۸۵ | ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان پیش امتحان کنندگان                   |
| ۲۸۷ | تمتع حسد آن حشم بر آن غلام خاص                                  |
| ۲۸۹ | عکس تعظیم پیغام سلیمان علیه السلام در دل بلقیس از               |

- ۲۹۰..... انکار فلسفی بر قرائت **إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا**
- ۲۹۳..... انکار کردن موسی علیه السلام بر مناجات شبان
- ۲۹۵..... عتاب کردن حق تعالی با موسی علیه السلام از بهر آن شبان
- ۲۹۶..... وحی آمدن موسی را علیه السلام در عذر آن شبان
- ۲۹۷..... پرسیدن موسی علیه السلام از حق تعالی سرّ غلبه ظالمان
- ۳۰۰..... رنجانیدن امیری خفته‌ای را که مار در دهانش رفته بود
- ۳۰۲..... اعتماد کردن بر تملّق و وفای خرس
- ۳۰۴..... گفتن نابینای سائل که دو کوری دارم
- ۳۰۵..... تتمه حکایت خرس و آن ابله که بروفای او اعتماد کرده بود
- ۳۰۶..... گفتن موسی علیه السلام گوساله پرست را که آن خیال اندیشی
- ۳۰۷..... ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه پند مغرور خرس را
- ۳۰۹..... تملّق کردن دیوانه جالینوس را و ترسیدن جالینوس
- ۳۰۹..... سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود
- ۳۱۰..... تتمه اعتماد آن مغرور بر تملّق خرس
- ۳۱۱..... رفتن مصطفی علیه السلام به عیادت صحابی و بیان فایده عیادت
- ۳۱۱..... وحی کردن حق تعالی به موسی علیه السلام که چرا به عیادت من نیامدی
- ۳۱۲..... تنها کردن باغبان صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر
- ۳۱۴..... رجعت به قصه مریض و عیادت پیغامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۱۴..... گفتن شیخی با یزید را که کعبه منم گرد من طوافی می کن
- ۳۱۴..... حکایت
- ۳۱۶..... دانستن پیغامبر صلی الله علیه و آله که سبب رنجوری آن
- ۳۱۹..... عذر گرفتن دلقک با سید که چرا فاحشه را نکاح کرد
- ۳۱۹..... به حیلّت در سخن آوردن سائل آن بزرگ را که خود را دیوانه ساخته بود
- ۳۲۰..... حمله بردن سگ بر کور گدا
- ۳۲۱..... خواندن محتسب مست خراب افتاده را به زندان
- ۳۲۲..... دوّم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را تا حال او معلوم تر گردد
- ۳۲۴..... تتمه نصیحت رسول صلی الله علیه و آله بیمار را
- ۳۲۸..... وصیت کردن پیغامبر صلی الله علیه و آله مر آن بیمار را و
- ۳۳۰..... بیدار کردن ابلیس معاویه را که خیز وقت نماز است
- ۳۳۰..... از خر افکندن ابلیس معاویه را و روپوش و بهانه کردن و
- ۳۳۱..... باز جواب گفتن ابلیس معاویه را

|     |                                                                       |
|-----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۳۳۲ | بازتقریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را                               |
| ۳۳۳ | بازجواب گفتن ابلیس معاویه را                                          |
| ۳۳۴ | عنف کردن معاویه با ابلیس                                              |
| ۳۳۴ | نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن                 |
| ۳۳۵ | بازتقریر ابلیس تلخیص خود را                                           |
| ۳۳۵ | باز الحاح کردن معاویه ابلیس را                                        |
| ۳۳۶ | شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب او را                          |
| ۳۳۷ | به اقرار آوردن معاویه ابلیس را                                        |
| ۳۳۷ | راست گفتن ابلیس ضمیر خود را به معاویه                                 |
| ۳۳۷ | فضیلت حسرت خوردن آن مخلص برفوت نماز جماعت                             |
| ۳۳۸ | تنمّۀ اقرار ابلیس به معاویه مکر خود را                                |
| ۳۳۸ | فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحب خانه را که                       |
| ۳۴۰ | قصۀ منافقان و مسجد ضرار ساختن ایشان                                   |
| ۳۴۱ | فریفتن منافقان پیغامبر را تا به مسجد ضرارش برند                       |
| ۳۴۲ | اندیشیدن یکی از صحابه به انکار که رسول (ص) چرا ستّاری نمی کند         |
| ۳۴۳ | قصۀ آن شخص که اشتر ضالّۀ خود می جست و می پرسید                        |
| ۳۴۴ | متردّد شدن در میان مذهبهای مخالف و بیرون شو و مخلص یافتن              |
| ۳۴۵ | امتحان هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است                     |
| ۳۴۶ | شرح فایده حکایت آن شخص شتر جوینده                                     |
| ۳۴۸ | بیان آنکه در هرنفسی فتنۀ مسجد ضرار است                                |
| ۳۴۹ | حکایت هندو که با یار خود جنگ می کرد برکاری و خبر                      |
| ۳۴۹ | قصد کردن غزان به کشتن یک مردی تا آن دگر بترسد                         |
| ۳۴۹ | بیان حال خودپرستان و ناشکران در نعمت وجود انبیا و اولیا علیهم السّلام |
| ۳۵۱ | شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوریها و جواب گفتن طبیب او را         |
| ۳۵۲ | قصۀ جوّحی و آن کودک که پیش جنازۀ پدر خویش نوحه می کرد                 |
| ۳۵۳ | ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثّۀ و گفتن آن شخص                         |
| ۳۵۴ | قصۀ تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در پیشه می رفت                  |
| ۳۵۴ | قصۀ اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن آن                         |
| ۳۵۶ | کرامات ابراهیم ادهم بر لب دریا                                        |
| ۳۵۷ | آغاز منوّر شدن عارف به نور غیب بین                                    |
| ۳۶۰ | طعنۀ زدن بیگانه ای در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را                  |

- بقیة قصه ابراهیم ادهم بر لب آن دریا ..... ۳۶۱
- دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی گیرد به گناه ..... ۳۶۲
- بقیة قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ ..... ۳۶۳
- گفتن عایشه مصطفی علیه السلام را که تو بی مصلأ به هرجا ..... ۳۶۵
- کشیدن موش مهار شتر را و متعجب شدن موش در خود ..... ۳۶۵
- کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند ..... ۳۶۷
- تشنیع صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می گوید ..... ۳۶۸
- عذر گفتن فقیر به شیخ ..... ۳۶۹
- بیان دعوی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است ..... ۳۷۱
- سجده کردن یحیی علیه السلام در شکم مادر مسیح علیه السلام را ..... ۳۷۲
- اشکال آوردن بر این قصه ..... ۳۷۲
- جواب اشکال ..... ۳۷۲
- سخن گفتن به زبان حال و فهم کردن آن ..... ۳۷۳
- پذیرا آمدن سخن باطل در دل باطلان ..... ۳۷۴
- جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد نمیرد ..... ۳۷۴
- شرح کردن شیخ سر آن درخت را با آن طالب مقلد ..... ۳۷۵
- منازعت چهارکس جهت انگور که هریکی به نام دیگر فهم ..... ۳۷۵
- برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار به برکات رسول (ص) ..... ۳۷۷
- قصه بط بچگان که مرغ خانگی پروردشان ..... ۳۷۹
- حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنه اش یافتند ..... ۳۸۰
- خاتمة دفتر دوم ..... ۳۸۱

- دفتر سوم ..... ۳۸۵
- قصه خوردگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح ..... ۳۹۰
- بقیة قصه متعزضان پیل بچگان ..... ۳۹۱
- بازگشتن به حکایت پیل ..... ۳۹۲
- بیان آنکه خطای محبان بهتر از صواب بیگانگان است نزد محبوب ..... ۳۹۴
- امر حق تعالی به موسی علیه السلام که مرا به دهانی خوان که ..... ۳۹۴
- بیان آنکه الله گفتن نیازمند عین لبتک گفتن حق است ..... ۳۹۵
- فریفتن روستایی شهری را و به دعوت خواندن به لایه و الحاح بسیار ..... ۳۹۶

|     |                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------|
| ۳۹۸ | قصه اهل سبا و طاغی کردن نعمت ایشان را                           |
| ۳۹۹ | جمع آمدن اهل آفت هر صباحی در صومعه عیسی (ع)                     |
| ۴۰۲ | باقی قصه اهل سبا                                                |
| ۴۰۴ | بقیه داستان رفتن خواجه به دعوت روستایی سوی ده                   |
| ۴۰۴ | دعوت باز بطآن را از آب به صحرا                                  |
| ۴۰۶ | قصه اهل ضروان و حیلت کردن ایشان تا بی زحمت درویشان              |
| ۴۰۷ | روان شدن خواجه به سوی ده                                        |
| ۴۰۸ | رفتن خواجه و قومش به سوی ده                                     |
| ۴۱۰ | نواختن معجون آن سگ را که مقیم کوی لیلی بود                      |
| ۴۱۱ | رسیدن خواجه و قومش به ده و نادیده و ناشناخته آوردن              |
| ۴۱۶ | افتادن شغال در خم رنگ و رنگین شدن و دعوی طاووسی کردن            |
| ۴۱۷ | چرب کردن مرد لافی لب و سبیل خود را هر یامداد به پوست دنبه       |
| ۴۱۷ | ایمن بودن بلعم با عور که امتحانها کرد حضرت او را و از           |
| ۴۱۸ | دعوی طاووسی کردن آن شغال که در خم صباغ افتاد                    |
| ۴۱۹ | تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شغال که دعوی طاووسی می کرد    |
| ۴۱۹ | تفسیر وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ                  |
| ۴۲۰ | قصه هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحان حق تعالی              |
| ۴۲۱ | قصه خواب دیدن فرعون آمدن موسی علیه السلام را و                  |
| ۴۲۲ | به میدان خواندن بنی اسرائیل را برای حیلت منع ولادت موسی (ع)     |
| ۴۲۲ | حکایت                                                           |
| ۴۲۳ | بازگشتن فرعون از میدان به شهر شادیه تفریق بنی اسرائیل           |
| ۴۲۳ | جمع آمدن عمران با مادر موسی و حامله شدن مادر موسی علیه السلام   |
| ۴۲۴ | وصیت کردن عمران جفت را بعد از مجامعت که مرا ندیده باشی          |
| ۴۲۴ | ترسیدن فرعون از آن بانگ                                         |
| ۴۲۴ | پیدا شدن ستاره موسی علیه السلام بر آسمان و غریو منجمان در میدان |
| ۴۲۶ | خواندن فرعون زنان نوزاده را سوی میدان هم جهت مکر                |
| ۴۲۶ | به وجود آمدن موسی و آمدن عوانان به خانه عمران و                 |
| ۴۲۷ | وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن                     |
| ۴۲۸ | حکایت مارگیر که اژدهای فسرده را مرده پنداشت و                   |
| ۴۳۱ | تهدید کردن فرعون موسی علیه السلام را                            |
| ۴۳۲ | جواب موسی فرعون را در تهدیدی که می کردش                         |

- دعا و شفاعت دوقی در خلاص کشتی ..... ۴۸۱
- انکار کردن آن جماعت بر دعا و شفاعت دوقی و پریدن ایشان و ..... ۴۸۴
- باز شرح کردن حکایت آن طالب روزی حلال بی کسب و ..... ۴۸۵
- رنج در عهد داوود علیه السلام و مستجاب شدن دعای او ..... ۴۸۶
- رفتن هردو خصم نزد داوود پیغامبر علیه السلام ..... ۴۸۶
- شنیدن داوود علیه السلام سخن هردو خصم و سؤال کردن از مدعی علیه ..... ۴۸۸
- حکم کردن داوود علیه السلام برکشنده گاو ..... ۴۸۹
- تضرع آن شخص از داوری داوود علیه السلام ..... ۴۸۹
- در خلوت رفتن داوود تا آنچه حق است پیدا شود ..... ۴۹۰
- حکم کردن داوود بر صاحب گاو که از سر گاو برخیزد و ..... ۴۹۰
- عزم کردن داوود علیه السلام به خواندن خلق بدان صحرا که ..... ۴۹۱
- گواهی دادن دست و پا و زبان بر سر ظالم هم در دنیا ..... ۴۹۲
- برون رفتن خلق به سوی آن درخت ..... ۴۹۲
- قصاص فرمودن داوود علیه السلام خونی را بعد از الزام حجت بر او ..... ۴۹۳
- بیان آنکه نفس آدمی به جای آن خونی است که مدعی گاو ..... ۴۹۴
- گریختن عیسی علیه السلام فراز کوه از احمقان ..... ۴۹۷
- قصه اهل سبا و حماقت ایشان و اثر ناکردن نصیحت انبیا در احمقان ..... ۴۹۸
- شرح آن کور دوربین و آن کر تیز شنو و آن برهنه دراز دامن ..... ۴۹۹
- صفت خزمی شهر اهل سبا و ناشکری ایشان ..... ۵۰۰
- آمدن پیغامبران از حق به نصیحت اهل سبا ..... ۵۰۱
- معجزه خواستن قوم از پیغامبران ..... ۵۰۲
- متهم داشتن قوم انبیا را ..... ۵۰۳
- حکایت خرگوشان که خرگوشی را به رسالت پیش پیل فرستادند ..... ۵۰۴
- جواب گفتن انبیا طعن ایشان را و مثل زدن ایشان را ..... ۵۰۴
- بیان آنکه هرکس را نرسد مثل آوردن خاصه در کار الهی ..... ۵۰۶
- حکایت آن دزد که پرسیدندش چه می کنی نیم شب در بن ..... ۵۰۶
- جواب آن مثل که منکران گفتند از رسالت خرگوش پیغام ..... ۵۰۷
- معنی حزم و مثال مرد حازم ..... ۵۰۸
- وخامت کار آن مرغ که ترک حزم کرد از حرص و هوا ..... ۵۰۹
- حکایت نذر کردن سگان هرزستان که این تابستان چون ..... ۵۱۰
- منع کردن منکران انبیا علیهم السلام را از نصیحت کردن و ..... ۵۱۱

|                                                                                      |     |
|--------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| جواب انبیا علیهم السلام مر جبریان را.....                                            | ۵۱۱ |
| مکرر کردن کافران حجتهای جبریه را.....                                                | ۵۱۱ |
| باز جواب انبیا علیهم السلام ایشان را.....                                            | ۵۱۲ |
| مکرر کردن قوم اعتراض ترجیه بر انبیا علیهم السلام.....                                | ۵۱۳ |
| باز جواب انبیا علیهم السلام.....                                                     | ۵۱۳ |
| حکمت آفریدن دوزخ آن جهان و زندان این جهان تا معبد.....                               | ۵۱۴ |
| بیان آنکه حق تعالی صورت ملوک را سبب مسخر کردن جباران.....                            | ۵۱۵ |
| قصه عشق صوفی بر سفره تهی.....                                                        | ۵۱۶ |
| مخصوص بودن یعقوب علیه السلام به چشیدن جام حق از.....                                 | ۵۱۷ |
| حکایت امیر و غلامش که نماز باره بود و انس عظیم داشت.....                             | ۵۱۸ |
| نومید شدن انبیا از قبول و پذیرایی منکران قوله حتی اذا.....                           | ۵۱۹ |
| بیان آنکه ایمان مقلد خوف است و رجا.....                                              | ۵۱۹ |
| بیان آنکه رسول علیه السلام فرمود إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْلِيَاءُ أَخْفِيَاءُ..... | ۵۲۰ |
| حکایت مندیله در تنور پر آتش انداختن آنس (رض) و ناسوختن.....                          | ۵۲۰ |
| قصه فریاد رسیدن رسول علیه السلام کاروان عرب را که از.....                            | ۵۲۱ |
| مشک آن غلام از غیب پر آب کردن به معجزه و آن غلام.....                                | ۵۲۲ |
| دیدن خواجه غلام خود را سپید و ناشناختن که اوست و گفتن.....                           | ۴۸۸ |
| بیان آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید از سماوات و ارضین و.....                        | ۵۲۳ |
| آمدن آن زن کافر با طفل شیرخواره به نزدیک مصطفی (ع).....                              | ۵۲۴ |
| ربودن عقاب موزه مصطفی علیه الصلوة والسلام و بردن بر.....                             | ۵۲۵ |
| وجه عبرت گرفتن از این حکایت و یقین دانستن که إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.....       | ۵۲۶ |
| استدعای آن مرد از موسی زبان بهائم با طیور.....                                       | ۵۲۷ |
| وحی آمدن از حق تعالی به موسی که بیاموزش چیزی که.....                                 | ۵۲۸ |
| قانع شدن آن طالب به تعلیم زبان مرغ خانگی و سگ و.....                                 | ۵۲۹ |
| جواب خروس سگ را.....                                                                 | ۵۲۹ |
| خجل گشتن خروس پیش سگ به سبب دروغ شدن در آن سه وعده.....                              | ۵۳۰ |
| خبر کردن خروس از مرگ خواجه.....                                                      | ۵۳۱ |
| دویدن آن شخص به سوی موسی به زنهار چون از خروس خبر.....                               | ۵۳۲ |
| دعا کردن موسی آن شخص را تا به ایمان رود از دنیا.....                                 | ۵۳۲ |
| اجابت کردن حق تعالی دعای موسی علیه السلام را.....                                    | ۵۳۳ |
| حکایت آن زنی که فرزندش نمی زیست بنالید جواب آمد که.....                              | ۵۳۳ |

- درآمدن حمزه رضی الله عنه در جنگ بی زره..... ۵۳۴
- جواب حمزه مر خلق را..... ۵۳۴
- حیلۀ دفع مغبون شدن در بیع و شرا..... ۵۳۷
- وفات یافتن بلال رضی الله عنه با شادی..... ۵۳۸
- حکمت ویران شدن تن به مرگ..... ۵۳۹
- تشبیه دنیا که به ظاهر فراخ است و به معنی تنگ و تشبیه..... ۵۳۹
- بیان آنکه هر چه غفلت و غم و کاهلی و تاریکی است همه از..... ۵۴۰
- تشبیه نصّ یا قیاس..... ۵۴۱
- آدابُ الْمُسْتَمِيعِ وَالْمُرِيدِ عِنْدَ قَبْضِ الْحِكْمَةِ مِنْ لِسَانِ الشَّيْخِ..... ۵۴۲
- شناختن هر حیوانی بوی عدوی خود را و حذر کردن و بطالت و..... ۵۴۲
- فرق میان دانستن چیزی به مثال و تقلید و میان دانستن ماهیت آن چیز..... ۵۴۳
- جمع و توفیق میان نفی و اثبات یک چیز از روی نسبت و اختلاف جهت..... ۵۴۴
- مسئله فنا و بقای درویش..... ۵۴۵
- قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از بخارا گریخت از بیم جان..... ۵۴۵
- پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم به وقت..... ۵۴۶
- گفتن روح القدس مریم را که من رسول حقّم به تو، آشفته..... ۵۴۹
- عزم کردن آن وکیل از عشق که رجوع کند به بخارا لایابالی وار..... ۵۵۰
- پرسیدن معشوقی از عاشق غریب خود که از شهرها کدام شهر را..... ۵۵۱
- منع کردن دوستان او را از رجوع کردن به بخارا و تهدید کردن و..... ۵۵۱
- لایابالی گفتن عاشق، ناصح و عاذل را از سر عشق..... ۵۵۲
- رو نهاد آن بنده عاشق سوی بخارا..... ۵۵۳
- درآمدن آن عاشق لایابالی در بخارا و تحذیر کردن دوستان او..... ۵۵۳
- جواب گفتن عاشق عاذلان را و تهدید کنندگان را..... ۵۵۴
- رسیدن آن عاشق به معشوق خویش چون دست از جان خود بشست..... ۵۵۵
- صفت آن مسجد که مهمان کش بود و آن عاشق مرگ جوی..... ۵۵۶
- مهمان آمدن در آن مسجد..... ۵۵۶
- ملامت کردن اهل مسجد آن مهمان عاشق را از شب خفتن در..... ۵۵۶
- جواب گفتن عاشق عاذلان را..... ۵۵۷
- عشق جالینوس بر این حیات دنیا بود که هنر او همین جا..... ۵۵۷
- دیگر باره ملامت کردن اهل مسجد مهمان را از شب خفتن در آن مسجد..... ۵۵۹
- گفتن شیطان قریش را که به جنگ احمد آید که من یارها کنم و..... ۵۶۱

- مکّر کردن عاذلان پند را بر آن مهمان آن مسجد مهمان کش ..... ۵۶۲
- جواب گفتن مهمان ایشا را و مثل آوردن به دفع کردن ..... ۵۶۳
- تمثیل گریختن مؤمن و بی صبری او در بلا به اضطراب و ..... ۵۶۶
- تمثیل صابر شدن مؤمن چون بر سر و خیر بلا واقف شود ..... ۵۶۷
- عذر گفتن کدبانو یا نخود و حکمت در جوش داشتن کدبانو نخود را ..... ۵۶۸
- باقی قصه مهمان آن مسجد مهمان کش و ثبات و صدق او ..... ۵۶۸
- ذکر خیال بد اندیشیدن قاصر فهمان ..... ۵۶۹
- تفسیر این خبر مصطفی علیه الصلوة والسلام که لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ ..... ۵۶۹
- در بیان آنکه رفتن انبیا و اولیا علیهم السلام به کوهها و غارها ..... ۵۷۰
- تشبیه صورت اولیا و صورت کلام اولیا به صورت عصای موسی ..... ۵۷۰
- تفسیر یا حَبَّالُ اَوْبَى مَعَهُ وَالطَّيْر ..... ۵۷۱
- جواب طعنه زننده در مشنوی از قصور فهم خود ..... ۵۷۱
- مثل زدن در رمیدن کوزه اسب از آب خوردن به سبب شخولیدن سایسان ..... ۵۷۲
- بقیه ذکر آن مهمان مسجد مهمان کش ..... ۵۷۳
- تفسیر آیت وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ ..... ۵۷۳
- رسیدن بانگ طلسمی نیم شب مهمان مسجد را ..... ۵۷۴
- ملاقات آن عاشق با صدر جهان ..... ۵۷۵
- جذب هر عنصری جنس خود را که در ترکیب آدمی محتبس ..... ۵۷۷
- منجذب شدن جان نیز به عالم ارواح و تقاضای او و ..... ۵۷۸
- فسخ عزایم و نقضها جهت باخبر کردن آدمی را از آنکه مالک و ..... ۵۷۹
- نظر کردن پیغامبر علیه الصلوة والسلام به اسیران و تبسم کردن و ..... ۵۸۰
- تفسیر این آیت که إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ الْاِیْه، ای ..... ۵۸۰
- سر آنکه بی مراد بازگشتن رسول علیه الصلوة والسلام از حدیبیه ..... ۵۸۱
- تفسیر این خبر که مصطفی علیه الصلوة والسلام فرمود ..... ۵۸۲
- آگاه شدن پیغامبر علیه السلام از طعن ایشان بر شماتت او ..... ۵۸۲
- بیان آنکه طاعی در عین قاهری مقهور است و در عین منصوری مأسور ..... ۵۸۴
- جذب معشوق عاشق را مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُ الْعَاشِقُ وَلَا يَرْجُوهُ ..... ۵۸۵
- دادخواستن پشه از باد به حضرت سلیمان علیه السلام ..... ۵۸۶
- امر کردن سلیمان علیه السلام پشه متظلم را به احضار خصم به دیوان حکم ..... ۵۸۷
- نواختن معشوق عاشق بیهوش را تا به هوش باز آید ..... ۵۸۸
- با خویش آمدن عاشق بیهوش و روی آوردن به ثنا و شکر معشوق ..... ۵۸۹

- ۵۹۱..... حکایت عاشقی دراز هجرانی و بسیار امتحانی.....
- ۵۹۳..... یافتن عاشق معشوق را و بیان آنکه جوینده یابنده بود که.....
- ۵۹۴..... خاتمه دفتر سوم.....
- ۵۹۶..... دفتر چهارم.....
- ۶۰۰..... تمامی حکایت آن عاشق که از عسس گریخت در باغی مجهول.....
- ۶۰۲..... حکایت آن واعظ که هر آغاز تذکیر دعای ظالمان و.....
- ۶۰۳..... سؤال کردن از عیسی علیه السلام که در وجود از همه صعبها.....
- ۶۰۴..... قصد خیانت کردن عاشق و بانگ برزدن معشوق بروی.....
- ۶۰۵..... قصه آن صوفی که زن خود را با بیگانه بگرفت.....
- ۶۰۷..... معشوق را زیر چادر پنهان کردن جهت تلبیس و بهانه گفتن زن که.....
- ۶۰۷..... گفتن زن که او در بند جهاز نیست مراد او ستر و صلاح است و.....
- ۶۰۸..... غرض از سمیع و بصیر گفتن خدا را.....
- ۶۰۹..... مثال دنیا چون گلخن و تقوی چون حمام.....
- ۶۱۰..... قصه آن دباغ که در بازار عطاران از بوی عطر و مشک بیهوش و رنجور شد.....
- ۶۱۱..... معالجه کردن برادر دباغ، دباغ را به خفیه به بوی سرگین.....
- ۶۱۲..... عذر خواستن آن عاشق از گناه خویش به تلبیس و روی پوش و.....
- ۶۱۲..... رد کردن معشوقه عذر عاشق را و تلبیس او را در روی او مالیدن.....
- ۶۱۴..... گفتن آن جهود علی را علیه السلام که اگر اعتماد داری بر حافظی.....
- ۶۱۵..... قصه مسجد اقصی و خزوب و عزم کردن داود علیه السلام پیش از.....
- ۶۱۶..... شرح إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَالْعُلَمَاءُ كَنَفُسٌ وَاحِدَةٌ، خاصه اتحاد.....
- ۶۱۹..... بقیه قصه بنای مسجد اقصی.....
- ۶۱۹..... قصه آغاز خلافت عثمان (رض) و خطبه وی در بیان آنکه.....
- ۶۲۱..... در بیان آنکه حکما گویند آدمی عالم صغری است و حکمای الهی.....
- ۶۲۲..... تفسیر این حدیث که مَثَلُ أُتْمَى كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنِ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا.....
- ۶۲۳..... قصه هدیه فرستادن بلقیس از شهر سبا سوی سلیمان علیه السلام.....
- ۶۲۴..... کرامات و نور شیخ عبدالله مغربی قدس سره.....
- ۶۲۵..... بازگرداندن سلیمان علیه السلام رسولان بلقیس را با آن هدیه ها.....
- ۶۲۵..... قصه عطاری که سنگ ترازوی او گل سرشوی بود و دزدیدن.....
- ۶۲۷..... دلداری کردن و نواختن سلیمان علیه السلام مر آن رسولان را و.....
- ۶۲۸..... دیدن درویش جماعت مشایخ را در خواب و درخواست کردن.....

- نیت کردن او که این زر بدهم بدان هیزمکش چون من روزی یافتم..... ۶۲۸
- تحریر سلیمان علیه السلام مر رسولان را بر تعجیل هجرت..... ۶۳۰
- سبب هجرت ابراهیم ادهم قدس الله سره و ترک ملک خراسان..... ۶۳۰
- حکایت آن مرد تشنه که از سر جوزین جوز می ریخت در جوی آب..... ۶۳۱
- تهدید فرستادن سلیمان علیه السلام پیش بلقیس که اصرار..... ۶۳۲
- پیدا کردن سلیمان علیه السلام که مرا خالصاً لأمر الله جهد است در..... ۶۳۴
- باقی قصه ابراهیم ادهم رحمه الله علیها..... ۶۳۴
- بقیه قصه اهل سبا و نصیحت و ارشاد سلیمان علیه السلام آل..... ۶۳۵
- آزاد شدن بلقیس از ملک و مست شدن او از شوق ایمان و التفات..... ۶۳۶
- چاره کردن سلیمان علیه السلام در احضار تخت بلقیس از سبا..... ۶۳۸
- قصه یاری خواستن حلیمه از بتان چون عقیب فطام، مصطفی را..... ۶۳۸
- حکایت آن پیر عرب که دلالت کرد حلیمه را به استعانت بتان..... ۶۳۹
- خبر یافتن جد مصطفی عبدالمطلب از گم کردن حلیمه محمد را..... ۶۴۱
- نشان خواستن عبدالمطلب از موضع محمد علیه الصلوة والسلام..... ۶۴۳
- بقیه قصه دعوت رحمت بلقیس را..... ۶۴۴
- مثل قانع شدن آدمی به دنیا و حرص او در طلب و غفلت او از..... ۶۴۴
- بقیه قصه عمارت کردن سلیمان علیه السلام مسجد اقصی را..... ۶۴۷
- قصه شاعر و صله دادن شاه و مضاعف کردن آن وزیر بوالحسن نام..... ۶۴۸
- باز آمدن آن شاعر بعد چند سال به امید همان صله و هزار دینار..... ۶۴۹
- مانستن بدرآبی این وزیر دون در افساد مروّت شاه به وزیر فرعون..... ۶۵۲
- نشستن دیو بر مقام سلیمان علیه السلام و تشبه کردن او به کارهای..... ۶۵۳
- درآمدن سلیمان علیه السلام هر روز در مسجد اقصی بعد از..... ۶۵۴
- آموختن پیشه گورکنی قابیل از زاغ پیش از آنکه در عالم علم..... ۶۵۵
- قصه صوفی که در میان گلستان سر برزانو مراقب بود یارانش..... ۶۵۷
- قصه رستن خروب در گوشه مسجد اقصی و غمگین شدن سلیمان..... ۶۵۸
- بیان آنکه حصول علم و مال و جاه مرید گوهرا را فضیحت..... ۶۶۰
- تفسیر یا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ..... ۶۶۱
- در بیان آنکه ترک الجواب جواب مقرر این سخن که جواب..... ۶۶۳
- در تفسیر این حدیث مصطفی علیه الصلوة والسلام که إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى..... ۶۶۳
- در تفسیر این آیت که وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا و..... ۶۶۴
- چالیش عقل با نفس همچون تنازع مجنون با ناقه، میل مجنون..... ۶۶۵

- نوشتن آن غلام قصه شکایت نقصان اجرای سوی پادشاه..... ۶۶۶
- حکایت آن فقیه با دستار بزرگ و آنکه پر بود دستارش و بانگ..... ۶۶۷
- نصیحت دنیا اهل دنیا را به زیان حال و بی وفایی خود را نمودن..... ۶۶۷
- بیان آنکه عارف را غذایی است از نور حق که اَبِیْتُ عِنْدَ رَبِّی..... ۶۶۸
- تفسیر اَوْجَسَ فِی نَفْسِهِ خِیفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰی..... ۶۷۱
- زجر مدعی از دعوی و امر کردن او را به متابعت..... ۶۷۲
- بقیه قصه نوشتن آن غلام رقعۀ به طلب اجرای..... ۶۷۳
- حکایت آن مذاح که از جهت ناموس شکرِ ممدوح می کرد و بُوی..... ۶۷۴
- در یافتن طبیبان الهی امراض دین و دل را در سیمای مرید و بیگانه..... ۶۷۶
- مژده دادن بایزید از زادن ابوالحسن خرقانی پیش از سالها و نشان..... ۶۷۶
- قول رسول صلی الله علیه و آله و سلم اِنِّیْ لَا جِدُّ نَفْسٍ اَلَزَّحْمَنِ مِنْ..... ۶۷۸
- نقصان اجرای جان و دل صوفی از طعام الله..... ۶۷۹
- آشفتن آن غلام از نارسیدن جواب رقعۀ از قِبَل پادشاه..... ۶۸۰
- کژوزیدن باد بر سلیمان علیه السلام به سبب زَلَّتْ او..... ۶۸۰
- شنیدن شیخ ابوالحسن خرقانی خبر دادن با یزید را از بود او و احوال او..... ۶۸۲
- رقعه دیگر نوشتن آن غلام پیش شاه چون جواب آن رقعۀ اَوَّل نیافت..... ۶۸۲
- قصه آنکه کسی با کسی مشورت می کرد گفتش مشورت با..... ۶۸۴
- امیر کردن رسول علیه الصلوة والسلام جوان هذیلی را بر سرّیه ای..... ۶۸۶
- اعتراض کردن معترضی بر رسول علیه الصلوة والسلام بر..... ۶۸۸
- جواب گفتن مصطفی علیه الصلوة والسلام اعتراض کننده را..... ۶۸۸
- قصه سُبْحانی مَا اَعْظَمَ شَأْنِی گفتن با یزید و اعتراض مریدان و..... ۶۸۹
- بیان سبب فصاحت و بسیارگویی آن فضول به خدمت رسول..... ۶۹۱
- بیان رسول علیه السلام سبب تفضیل و اختیار کردن او آن هذیلی..... ۶۹۱
- علامت عاقل تمام و علامت نیم عاقل و مرد تمام و نیم مرد و..... ۶۹۳
- قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی یکی عاقل و یکی نیم..... ۶۹۳
- سر خواندن وضو کننده آوراد وضو را..... ۶۹۴
- شخصی به وقت استنجا می گفت اَللّٰهُمَّ اَرَحْنِیْ رَاحَةَ الْجَنَّةِ بجای..... ۶۹۴
- قصه آن مرغ گرفته که وصیت کرد که برگذشته پشیمانی مخور..... ۶۹۵
- چاره اندیشیدن آن ماهی نیم عاقل و خود را مرده کردن..... ۶۹۶
- بیان آنکه عهد کردن احمق وقت گرفتاری و ندم هیچ وفایی ندارد..... ۶۹۷
- در بیان آنکه وهم قلب عقل است و ستیزه اوست، بدو ماند و او..... ۶۹۸

- بیان آنکه عمارت در ویرانی است و جمعیت در پراکندگی است و..... ۶۹۹
- بیان آنکه هر حَسُّ مُدْرِکِی را از آدمی نیز مُدْرَکاتی دیگر است که از..... ۷۰۱
- حمله بردن این جهانیان بر آن جهانیان و تاختن بردن تا سِینُور ذَرّ و..... ۷۰۴
- بیان آنکه تن خاکی آدمی همچون آهن نیکو جوهر قابل آیینه شدن..... ۷۰۵
- بازگفتن موسی علیه السّلام اسرار فرعون را و واقعات او را..... ۷۰۶
- بیان آنکه در توبه باز است..... ۷۰۷
- گفتن موسی علیه السّلام فرعون را که از من یک پند قبول کن و..... ۷۰۷
- شرح کردن موسی علیه السّلام آن چهار فضیلت را جهت پایمزد..... ۷۰۸
- تفسیر کُنْتُ کَثْرًا مَخْفِيًا فَأَخْبَيْتُ أَنْ أُعْرَفَ..... ۷۰۸
- غزه شدن آدمی به ذکاوت و تصویرات طبع خویشتن و طلب..... ۷۰۹
- بیان این خبر که کَلَمُوا النَّاسَ عَلَى قَدَرٍ عَقُولِهِمْ لَا عَلَى قَدَرِ..... ۷۱۰
- قوله علیه السّلام مَنْ بَشَّرَنِي بِخُرُوجٍ صَفَرٍ بَشَّرْتُهُ بِالْجَنَّةِ..... ۷۱۰
- مشورت کردن فرعون با ایسیه در ایمان آوردن به موسی علیه السّلام..... ۷۱۱
- قصه باز پادشاه و گمپیرزن..... ۷۱۲
- قصه آن زن که طفل او بر سر ناودان خزید و خطر افتادن بود و از..... ۷۱۳
- مشورت کردن فرعون با وزیرش هامان در ایمان آوردن به موسی (ع)..... ۷۱۶
- تزییف سخن هامان علیه اللّٰعنة..... ۷۱۷
- نومید شدن موسی علیه السّلام از ایمان فرعون به تأثیر کردن سخن..... ۷۱۸
- منازعت امیران عرب با مصطفی علیه الصّلوٰة و السّلام که ملک را..... ۷۱۸
- در بیان آنکه شناسای قدرت حق نپرسد که بهشت و دوزخ کجاست..... ۷۲۰
- جواب دهری که منکر الوهیت است و عالم را قدیم می گوید..... ۷۲۱
- تفسیر این آیت که وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا..... ۷۲۳
- وحی کردن حق به موسی علیه السّلام که ای موسی من که خالقم..... ۷۲۴
- خشم کردن پادشاه بر ندیم و شفاعت کردن شفیع آن مغضوب علیه..... ۷۲۵
- گفتن خلیل مر جبرئیل علیهما السّلام را چون پرسیدش که أَلَاكَ..... ۷۲۷
- مطالبه کردن موسی علیه السّلام حضرت را که خَلَقْتَ خَلْقًا وَ..... ۷۲۸
- بیان آنکه روح حیوانی و عقل جزوی و وهم و خیال بر مثال دوغند..... ۷۲۹
- مثال دیگر هم در این معنی..... ۷۳۰
- حکایت آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به وی روی نمود..... ۷۳۱
- عروس آوردن پادشاه فرزند خود را از خوف انقطاع نسل..... ۷۳۳
- اختیار کردن پادشاه دختر درویش زاهدی را از جهت پسر و..... ۷۳۳

۷۳۵..... مستجاب شدن دعای پادشاه در خلاص پسرش از جادوی کابلی  
 ۷۳۶..... در بیان آنکه شهزاده آدمی بچه است و خلیفه خداست پدرش آدم  
 ۷۳۸..... حکایت آن زاهد که در سال قحط شاد و خندان بود با مفلسی و.....  
 ۷۳۹..... بیان آنکه مجموع عالم صورت عقل کل است چون با عقل کل  
 ۷۴۰..... قصه فرزندان عزیز علیه السلام که از پدر احوال پدر می پرسیدند  
 ۷۴۱..... تفسیر این حدیث که إِنِّی لَأَسْتَغْفِرُ اللهَ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعِینَ مَرَّةً  
 ۷۴۱..... بیان آنکه عقل جزوی تا به گور بیش نبیند در باقی مقلد اولیا و انبیاست  
 ۷۴۳..... بیان آنکه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا إِبْنِیَ اللهِ وَ رَسُولِهِ  
 ۷۴۴..... قصه شکایت استر با شتر که من بسیار در رو می افتم در راه رفتن  
 ۷۴۶..... تصدیق کردن استر جوابهای شتر را و اقرار آوردن به فضل او  
 ۷۴۷..... لابه کردن قبطی سبطی را که یک سبو به نیت خویش از نیل پُر کن  
 ۷۴۹..... درخواستن قبطی دعای خیر و هدایت از سبطی و دعا کردن سبطی  
 ۷۵۱..... حکایت آن زن پلید کار که شوهر را گفت که آن خیالات از سر  
 ۷۵۳..... باقی قصه موسی علیه السلام  
 ۷۵۵..... اطوار و منازل آدمی از ابتدا  
 ۷۵۶..... بیان آنکه خلق دوزخ گرسنگانند و نالانند به حق که روزیهای ما را  
 ۷۵۸..... رفتن ذوالقرنین به کوه قاف و درخواست کردن که ای کوه قاف از  
 ۷۵۹..... موری برکاغذی می رفت نبستن قلم دید قلم را ستودن گرفت  
 ۷۶۰..... نمودن جبرئیل علیه السلام خود را به مصطفی صلی الله علیه و آله  
 ۷۶۴..... خاتمه دفتر چهارم

۷۶۷..... دفتر پنجم  
 ۷۷۰..... تفسیر خُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیْكَ  
 ۷۷۱..... در سبب ورود این حدیث مُصطفی صلوات الله علیه که الکافِرُ یَأْکُلُ  
 ۷۷۳..... در حجره گشادن مصطفی علیه الصلوة و السلام بر مهمان و خود را  
 ۷۷۴..... سبب رجوع کردن آن مهمان به خانه مصطفی علیه السلام در آن  
 ۷۷۶..... نواختن مصطفی علیه الصلوة و السلام آن عرب مهمان را و  
 ۷۷۷..... بیان آنکه نماز و روزه و همه چیزهای بیرونی گواهیها است  
 ۷۷۷..... پاک کردن آب همه پلیدیها را و باز پاک کردن خدای تعالی آب را  
 ۷۷۸..... استعانت آب از حق جلّ جلاله بعد از تیره شدن  
 ۷۷۹..... گواهی فعل و قول بیرونی بر ضمیر و نور اندرونی

- در بیان آنکه نور خود از اندرون شخص منور بی آنکه فعلی و..... ۷۷۹
- عرضه کردن مصطفی علیه السلام شهادت را بر آن مهمان خویش..... ۷۸۰
- بیان آنکه نور که غذای جان است غذای جسم اولیا می شود تا او..... ۷۸۱
- مناجات..... ۷۸۲
- تمثیل لوح محفوظ و ادراک عقل هرکسی از آن لوح آنکه امر و..... ۷۸۳
- تمثیل روشهای مختلف و همتهای گوناگون به اختلاف تحرّی..... ۷۸۳
- تفسیر یا حشره عَلَى الْعِبَاد..... ۷۸۴
- سبب آنکه قَزَجی را نام فرجی نهادند از اوّل..... ۷۸۴
- در بیان آنکه لطف حق راهمه کس داند و قهر حق را همه کس داند..... ۷۸۶
- تفاوت عقول در اصل فطرت خلاف معتزله که ایشان گویند در..... ۷۸۹
- حکایت آن اعرابی که سگ او از گرسنگی می مرد و انبان او پُر نان..... ۷۹۰
- در بیان آنکه هیچ چشم بدی آدمی را چنان مهلک نیست که چشم..... ۷۹۱
- تفسیر وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ..... ۷۹۱
- قَصّة آن حکیم که دید طاووسی را که پر زیبای خود را می کند..... ۷۹۲
- در بیان آنکه صفا و سادگی نفس مطمئنه از فکرتها مشوّش شود..... ۷۹۳
- در بیان قول رسول علیه السلام لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَام..... ۷۹۴
- در بیان آنکه ثواب عمل عاشق از حق هم حق است..... ۷۹۵
- در تفسیر قول رسول صلی الله علیه و آله مَا مَاتَ مَنْ مَاتَ إِلَّا وَ..... ۷۹۵
- در بیان آنکه عقل و روح در آب و گل محبوس اند همچو هاروت و..... ۷۹۶
- جواب گفتن طاووس آن سائل را..... ۷۹۷
- بیان آنکه هنرها و زیرکیها و مال دنیا همچون پره های طاووس..... ۷۹۷
- در صفت آن بی خودان که از شرّ خود و هنر خود ایمن شده اند که..... ۷۹۸
- در بیان آنکه ماسوی الله هر چیزی آکل و مأکول است همچون آن..... ۸۰۰
- سبب کشتن خلیل علیه السلام زاغ را که آن اشارت به قمع کدام..... ۸۰۲
- مناجات..... ۸۰۳
- قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ حُمُوا ثَلَاثًا عَزِيزٌ قَوْمٌ ذَلٌّ وَ غَيْبٌ قَوْمٌ افْتَقَرُوا..... ۸۰۵
- قَصّة محبوس شدن آن آهو بچه در آخر خران و طعنه آن خران..... ۸۰۵
- حکایت محمد خوارزمشاه که شهر سبزوار که همه رافضی باشند..... ۸۰۶
- بقیة قَصّة آهو و آخر خران..... ۸۰۸
- تفسیر إِنْ أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ، آن گاووان..... ۸۰۹
- بیان آنکه کشتن خلیل علیه السلام خروس را اشارت به قمع و قهر..... ۸۱۰

- تفسیر خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ و..... ۸۱۱
- تفسیر أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ..... ۸۱۱
- مثال عالم هست نیست ثما و عالم نیست هست ثما..... ۸۱۳
- در تفسیر قول مصطفی علیه الصَّلوةُ وَالسَّلَامُ لَا يَدُّ مِنْ قَرِينٍ يُدْفَنُ..... ۸۱۴
- تفسیر و هُوَ مَعَكُمْ..... ۸۱۵
- در تفسیر قول مصطفی علیه الصَّلوةُ وَالسَّلَامُ مَنْ جَعَلَ اللَّهُمَّ هَمًّا..... ۸۱۶
- در معنی این بیت..... ۸۱۷
- قصه آن شخص که دعوی پیغامبری می کرد گفتندش چه خورده ای..... ۸۱۸
- سبب عداوت عام و بیگانه زیستن ایشان به اولیای خدا که به..... ۸۱۹
- در بیان آن که مرد بدکار چون متمکن شود در بدکاری و اثر دولت..... ۸۲۰
- مناجات..... ۸۲۱
- داستان آن عاشق که با معشوق خود برمی شمرد خدمتها و وفاهای..... ۸۲۳
- یکی پرسید از عالمی عارفی که اگر در نماز کسی بگرید به آواز و..... ۸۲۴
- میریدی درآمد به خدمت شیخ و از این شیخ پیرِ بِنِی نمی خواهم..... ۸۲۵
- داستان آن کنیزک که با خر خاتون شهوت می راند و..... ۸۲۸
- تمثیل تلقین شیخ مریدان را و پیغامبر امت را که ایشان طاقت..... ۸۳۲
- صاحب دلی دید سگی حامله در شکم آن سگ بچگان بانگ..... ۸۳۳
- قصه اهل ضروان و حسد ایشان بردرویشان که پدر ما از سلیمی..... ۸۳۴
- بیان آنکه عطای حق و قدرت موقوف قابلیت نیست همچون داد..... ۸۳۷
- در ابتدای خلقت جسم آدم علیه السلام که جبرئیل را علیه السلام..... ۸۳۸
- فرستادن میکائیل را علیه السلام به قبض حفته خاک از زمین جهت..... ۸۳۹
- قصه قوم یونس علیه السلام بیان و برهان آن است که تضرع و..... ۸۴۰
- فرستادن اسرافیل را علیه السلام به خاک که حفته ای برگیر از خاک..... ۸۴۱
- فرستادن عزرائیل ملک العزم و الحزم را علیه السلام به برگرفتن..... ۸۴۲
- بیان آنکه مخلوقی که ترا از او ظلمی رسد به حقیقت او همچون..... ۸۴۳
- جواب آمدن که آنکه نظر او بر اسباب و مرض و زخم تیغ نیاید..... ۸۴۵
- در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا و مانع شدن او از طعام الله..... ۸۴۶
- جواب آن مُعَقَّل که گفته است که خوش بودی این جهان اگر مرگ..... ۸۴۷
- فِيمَا يُرْجَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مُعْطَى النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا و..... ۸۴۸
- قصه ایاز و حجره داشتن او جهت چارق و پوستین و گمان آمدن..... ۸۵۱
- بیان آنکه آن چه بیان کرده می شود صورت قصه است و آنکه آن..... ۸۵۲

- حکمت نظر کردن در چارق و پوستین که فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ..... ۸۵۴
- در معنی این که أَرْنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ و معنی این که لَوْ كَيْفَ الْغِطَاءِ ..... ۸۵۶
- بیان اتحاد عاشق و معشوق از روی حقیقت اگرچه متضادند از ..... ۸۵۷
- معشوقی از عاشق پرسید که خود را دوست تر داری یا مرا، گفت ..... ۸۵۸
- آمدن آن امیر نَمَام با سرهنگان نیمشب به گشادن آن حجره ایاز و ..... ۸۶۰
- بازگشتن نَمَام از حجره ایاز به سوی شاه توبره تهی و خجل ..... ۸۶۱
- حواله کردن پادشاه قبول توبه نَمَامان و حجره گشایان و سزا دادن ..... ۸۶۲
- فرمودن شاه ایاز را که اختیار کن از عفو و مکافات که از عدل و ..... ۸۶۳
- تعجیل فرمودن پادشاه ایاز را که زود این حکم را به فیصل رسان و ..... ۸۶۴
- حکایت در تقریر این سخن که چندین گاه گفت و گو را آزمودیم ..... ۸۶۵
- در بیان کسی که سخنی گوید که حال او مناسب آن سخن و آن ..... ۸۶۵
- حکایت در بیان توبه نصوح که چنانکه شیر از پستان بیرون آید باز ..... ۸۶۸
- در بیان آنکه دعای عارف واصل و درخواست او از حق همچو ..... ۸۶۹
- نوبت جستن رسیدن به نصوح و آواز آمدن که همه را جستم ..... ۸۷۰
- باز خواندن شهزاده نصوح را از بهر دلاکی بعد از استحکام توبه و ..... ۸۷۱
- حکایت در بیان آنکه کسی توبه کند و پشیمان شود و باز آن ..... ۸۷۲
- تشبیه کردن قطب که عارف واصل است در اجرای دادن خلق از ..... ۸۷۳
- حکایت دیدن خر سقایی با نوایی اسبان تازی بر آخور خاص و تمنا ..... ۸۷۴
- ناپسندیدن روباه گفتن خر را که من راضیم به قسمت ..... ۸۷۵
- جواب گفتن خر روباه را ..... ۸۷۶
- در تقریر معنی توکل حکایت آن زاهد که توکل را امتحان می کرد از ..... ۸۷۷
- جواب دادن روباه خر را و تحریض کردن او خر را بر کسب ..... ۸۷۸
- جواب گفتن خر روباه را که توکل بهترین کسبهاست که هر کسی ..... ۸۷۸
- مثل آوردن اشتر در بیان آنکه در مُحْخِرِ دَوْلَتی فَرّ و اثر آن چون ..... ۸۷۸
- فرق میان دعوت شیخ کامل واصل و میان سخن ناقصان فاضلِ فضل ..... ۸۷۹
- حکایت آن مخنث و پرسیدن لوطی از او در حالت لواطه که این ..... ۸۸۱
- غالب شدن حیلۀ روباه بر استعصام و تعقّف خر و کشیدن روبه خر ..... ۸۸۲
- حکایت آن شخص که از ترس خویشتن را در خانه‌ای انداخت ..... ۸۸۳
- بردن روباه آن خر را پیش شیر و جستن خر از شیر و عتاب کردن ..... ۸۸۴
- در بیان آنکه نقض عهد و توبه موجب بلا بُود بلکه موجب مسخ ..... ۸۸۶
- دوم بار آمدن روبه بر آن خر گریخته تا باز بفریبدش ..... ۸۸۶

- جواب گفتن خر روباه را. .... ۸۸۷
- جواب گفتن روباه خر را. .... ۸۸۸
- حکایت شیخ محمد سرززی غزنوی قَدَسَ اللّٰهُ سِرَّهُ. .... ۸۸۹
- آمدن شیخ بعد از چندین سال از بیابان به شهر غزنین و زنبیل. .... ۸۹۰
- در معنی لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلَاکَ. .... ۸۹۲
- رفتن آن شیخ در خانه امیری بهر کدیه روزی چهار بار با زنبیل. .... ۸۹۳
- گریان شدن امیر از نصیحت شیخ و عکس صدق او و ایثار کردن. .... ۸۹۴
- اشارت آمدن از غیب به شیخ که این دو سال به فرمان ما بستدی و. .... ۸۹۵
- دانستن شیخ ضمیر سائل را بی گفتن و دانستن قدر وام و امداران. .... ۸۹۵
- سبب دانستن ضمیرهای خلق. .... ۸۹۷
- غالب شدن مکر روبه براستعصام خر. .... ۸۹۷
- در بیان فضیلت احتما و جوع. .... ۸۹۷
- مَثَل. .... ۸۹۸
- حکایت مریدی که شیخ از حرص و ضمیر او واقف شد او را. .... ۸۹۸
- حکایت آن گاو که تنها در جزیره‌ای است بزرگ، حقّ تعالی آن. .... ۸۹۹
- صید کردن شیر آن خر را و تشنه شدن شیر از کوشش، رفت. .... ۸۹۹
- حکایت آن راهب که روز با چراغ می‌گشت در میان بازار از سر. .... ۹۰۰
- دعوت کردن مسلمان مغ را. .... ۹۰۰
- مَثَل شیطان برادر رحمان. .... ۹۰۱
- جواب گفتن مؤمن سُنی کافر جبری را و در اثبات اختیار بنده دلیل. .... ۹۰۲
- درک و جدانی چون اختیار و اضطوار و خشم و اضطبار و سیری و. .... ۹۰۵
- حکایت هم در بیان تقریر اختیار خلق و بیان آنکه تقدیر و قضا. .... ۹۰۶
- حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار و صحت امر و نهی و. .... ۹۰۷
- معنی ماشاءَ الله کَانَ یعنی خواست خواست او و رضا رضای. .... ۹۰۹
- و همچنین قَدْ جَفَّ الْقَلَمُ یعنی جَفَّ الْقَلَمُ وَ کَتَبَ لَا یَسْتَوِی الْطَاعَةُ. .... ۹۱۱
- حکایت آن درویش که در هری غلامان آراسته عمید خراسان را. .... ۹۱۱
- باز جواب گفتن آن کافر جبری آن سُنی را که به اسلامش دعوت. .... ۹۱۴
- پرسیدن پادشاه قاصدا ایا از راکه چندین غم و شادی با چارق و. .... ۹۱۵
- گفتن خویشاوندان مجنون راکه حسن لیلی به اندازه‌ای است. .... ۹۱۷
- حکایت جوحی که چادر پوشید و در وعظ میان زنان نشست و. .... ۹۱۸
- فرمودن شاه به اباز بار دگر که شرح چارق و پوستین آشکارا بگو. .... ۹۱۹

- ۹۲۰ ..... حکایت کافری که گفتندش در عهد با یزید که مسلمان شو و جواب...
- ۹۲۱ ..... حکایت آن مؤذن زشت آواز که در کافرستان بانگ نماز داد و مرد...
- ۹۲۲ ..... حکایت آن زن که گفت شوهر را که گوشت را گربه خورد شوهر...
- ۹۲۳ ..... حکایت آن امیر که غلام را گفت که می بیار غلام رفت و سبوی...
- ۹۲۴ ..... حکایت ضیاء دلق که سخت دراز بود و برادرش شیخ اسلام تاج...
- ۹۲۵ ..... رفتن امیر خشم آلود برای گوشمال زاهد...
- ۹۲۶ ..... حکایت مات کردن دلقک سید شاه ترمید را...
- ۹۲۷ ..... انداختن مصطفی علیه السلام خود را از کوه جری از وحشت دیر...
- ۹۲۸ ..... جواب گفتن امیر مر آن شفیعیان را و همسایگان زاهد را که...
- ۹۲۹ ..... دوم بار دست و پای امیر را بوسیدن و لابه کردن شفیعیان و...
- ۹۳۰ ..... باز جواب گفتن امیر ایشان را...
- ۹۳۱ ..... تفسیر این آیت که وَإِنَّ الدُّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْخَيْرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...
- ۹۳۲ ..... دگیار استدعای شاه از ایاز که تأویل کار خود بگو و مشکل...
- ۹۳۲ ..... تمثیل تن آدمی به مهمان خانه و اندیشه های مختلف به مهمانان...
- ۹۳۳ ..... حکایت آن مهمان که زن خداوند خانه گفت که باران فرو گرفت و...
- ۹۳۴ ..... تمثیل فکر هر روزینه که اندر دل آید به مهمان نو که از اوّل روز در...
- ۹۳۵ ..... نواختن سلطان ایاز را...
- ۹۳۶ ..... وصیت کردن پدر دختر را که خود را نگهدار تا حامله نشوی از...
- ۹۳۷ ..... وصف ضعیف دلی و سُستی صوفی سایه پرورد مجاهده ناکرده...
- ۹۳۸ ..... نصیحت مبارزان او را که با این دل و زهره که تو داری که از...
- ۹۳۹ ..... حکایت عبّاضی رحمه الله که هفتاد غزو کرده بود سینه برهنه و...
- ۹۴۰ ..... حکایت آن مجاهد که از همیان سیم هر روز یک درم در خندق...
- ۹۴۱ ..... صفت کردن مرد غمّاز و نمودن صورت کنیزک مصوّر در کاغذ و...
- ۹۴۲ ..... ابشار کردن صاحب موصل آن کنیزک را به خلیفه تا خون ریزی...
- ۹۴۴ ..... پشیمان شدن آن سرلشکر از جنایت که کرد و سوگند دادن او آن...
- ۹۴۵ ..... حجت منکران آخرت و بیان ضعف آن حجت زیرا حجت ایشان...
- ۹۴۶ ..... آمدن خلیفه نزد آن خوب روی برای جماع...
- ۹۴۶ ..... خنده گرفتن آن کنیزک را از ضعف شهوت خلیفه و قوت شهوت...
- ۹۴۷ ..... فاش کردن آن کنیزک آن راز را با خلیفه از بیم زخم شمشیر و اکراه...
- ۹۴۸ ..... عزم کردن شاه چون واقف شد بر آن خیانت که بیوشاند و عفو کند و...
- ۹۴۹ ..... بیان آنکه نَحْنُ قَسَمْنَا که یکی را شهوت و قوت خران دهد و یکی...

- ۹۵۰ ..... دادن شاه گوهر را میان دیوان و مجمع به دست وزیر که این چند  
 ۹۵۱ ..... رسیدن گوهر از دست به دست آخر دور به ایاز و کیاست ایاز و مقصد  
 ۹۵۲ ..... تشنیه زدن امرا بر ایاز که چرا شکستش و جواب دادن ایاز ایشان را  
 ۹۵۳ ..... قصد شاه به کشتن امرا و شفاعت کردن ایاز پیش تخت سلطان که  
 ۹۵۴ ..... تفسیر گفتن ساحران فرعون را در وقت سیاست که لا ضیَرَّ إِنَّا إِلَى  
 ۹۵۵ ..... مجرم دانستن ایاز خود را در این شفاعت گری و عذر این جرم  
 ۹۵۸ ..... خاتمه دفتر چهارم  
 ۹۵۹ ..... دفتر ششم  
 ۹۶۸ ..... سؤال سائل از مرغی که بر سر رَیْض شهری نشسته باشد سر او  
 ۹۷۰ ..... نکوهیدن ناموسهای پوسیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل ضعف  
 ۹۷۱ ..... مناجات و پناه جستن به حق از فتنه اختیار و از فتنه اسباب اختیار  
 ۹۷۳ ..... حکایت غلام هندو که به خداوند زاده خود پنهان هوا آورده بوده  
 ۹۷۵ ..... صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را زجر مکن من او را  
 ۹۷۶ ..... در بیان آنکه این غرور تنها آن هندو را نبود بلکه هر آدمی به چنین  
 ۹۷۸ ..... در عموم تاویل این آیت که کُلُّمَا أَوْقَدُوا نَارًا يَلْحَرَبُ  
 ۹۷۸ ..... قصه ای هم در تقریر این آیت  
 ۹۷۹ ..... وانمودن پادشاه به امرا و متعصبان در راه سبب فضیلت و مرتبت و  
 ۹۸۰ ..... مرافعه امرا آن حجت را به شبهه جبریانه و جواب دادن شاه  
 ۹۸۱ ..... حکایت آن صیاد که خویشتن در گیاه پیچیده بود و دسته گل و لاله  
 ۹۸۳ ..... حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند و بر آن قناعت  
 ۹۸۳ ..... مناظره مرغ با صیاد در ترهّب و در معنی ترهّبی که مصطفی  
 ۹۸۶ ..... حکایت آن پاسبان که خاموش ماند تا دزدان رخت تاجران بردند  
 ۹۸۶ ..... حواله کردن مرغ گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر و زرق زاهد  
 ۹۸۸ ..... حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده معشوق بدان وثاقت  
 ۹۹۰ ..... استدعای امیر ترکی مخمور مطرب را به وقت صبح و تفسیر این  
 ۹۹۱ ..... درآمدن ضریر در خانه مصطفی علیه السلام و گریختن عایشه از  
 ۹۹۲ ..... امتحان کردن مصطفی علیه السلام عایشه را که چه پنهان  
 ۹۹۳ ..... حکایت آن مطرب که در بزم امیر ترک این غزل آغاز کرد  
 ۹۹۴ ..... تفسیر قوله علیه السلام مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا بمیرای دوست پیش  
 ۹۹۶ ..... تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و وقت مرگ در آن تنگاتنگ توبه

- نکته گفتن آن شاعر جهت طعن شیعه حلب ..... ۹۹۷
- تمثیل مرد حریص ناپسند رزاقی حق را و خزاین رحمت او را ..... ۹۹۷
- داستان آن شخص که بر در سرایی نیم شب سحوری می زد همسایه ..... ۹۹۹
- قصه أخذ أخذ گفتن بلال در خرّ حجاز از محبت مصطفی ..... ۱۰۰۱
- بازگردانیدن صدیق (رض) واقعه بلال را رضی الله عنه و ظلم ..... ۱۰۰۴
- وصیت کردن مصطفی علیه السلام صدیق را که چون بلال را ..... ۱۰۰۵
- خندیدن جهود و پنداشتن که صدیق مغبون است در این عقد ..... ۱۰۰۷
- معاتبه مصطفی علیه الصلوة والسلام با صدیق که ترا وصیت کردم ..... ۱۰۰۹
- قصه هلال که بنده مخلص بود خدای را، صاحب بصیرت بی تقلید ..... ۱۰۱۰
- حکایت در تقریر همین سخن ..... ۱۰۱۱
- مثل ..... ۱۰۱۲
- رنجور شدن این هلال و بی خبری خواجه او از رنجوری او از ..... ۱۰۱۲
- درآمدن مصطفی علیه السلام از بهر عیادت هلال در ستورگاه آن ..... ۱۰۱۳
- در بیان آنکه مصطفی صلی الله علیه و آله شنید که عیسی ..... ۱۰۱۴
- داستان آن عجوزه که روی زشت خویش را جَندَره و گلگونه ..... ۱۰۱۵
- داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که خدا ترا به سلامت ..... ۱۰۱۶
- صفت آن عجوز ..... ۱۰۱۶
- قصه درویش که از آن خانه هرچه می خواست می گفت نیست ..... ۱۰۱۷
- رجوع بدستان آن کمبیر ..... ۱۰۱۸
- حکایت آن رنجور که طبیب در او اومید صحت ندید ..... ۱۰۱۹
- رجوع به قصه رنجور ..... ۱۰۲۰
- قصه سلطان محمود و غلام هندو ..... ۱۰۲۲
- لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ هَمُّ الْمَوْتِ إِنَّمَا لَهُمْ حَسْرَةُ الْفَوْتِ ..... ۱۰۲۲
- بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی ..... ۱۰۲۳
- طیره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن صوفی قاضی را ..... ۱۰۳۰
- جواب دادن قاضی صوفی را ..... ۱۰۳۰
- سؤال کردن آن صوفی قاضی را ..... ۱۰۳۱
- جواب گفتن آن قاضی صوفی را ..... ۱۰۳۲
- باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی ..... ۱۰۳۳
- جواب قاضی سؤال صوفی را و قصه ترک و دزدی را مثل آوردن ..... ۱۰۳۴
- قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ يُلْقِنُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ ..... ۱۰۳۴

- دعوی کردن تُرک و گرو بستن او که درزی از من چیزی نتواند بردن..... ۱۰۳۵
- مضاحک گفتن درزی و تُرک را از قوت خنده بسته شدن دو چشم..... ۱۰۳۵
- گفتن درزی تُرک را هُی خاموش که اگر مضاحک دگر گویم قبات..... ۱۰۳۶
- بیان آنکه بی کاران و افسانه جویان مثل آن ترک‌اند و عالم غُزار..... ۱۰۳۷
- مَثَل..... ۱۰۳۷
- باز مکرر کردن صوفی سؤال را..... ۱۰۳۷
- جواب دادن قاضی صوفی را..... ۱۰۳۸
- حکایت در تقریر آنکه صبر در رنج کار سهلتر از صبر در فراق یار بود..... ۱۰۳۸
- مَثَل..... ۱۰۳۹
- باقی قصه فقیر روزی طلب بی واسطه کسب..... ۱۰۴۱
- قصه آن گنج‌نامه که پهلوی قبه‌ای روی به قبله کن و تیر در کمان..... ۱۰۴۴
- تمامی قصه آن فقیر و نشان جای آن گنج..... ۱۰۴۶
- فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه..... ۱۰۴۷
- نومید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن او از طلب آن..... ۱۰۴۷
- باز دادن پادشاه گنج‌نامه را به آن فقیر که بگیر، ما از سر این..... ۱۰۵۰
- حکایت مرید شیخ حسن خرقانی قَدَّسَ اللهُ سِرَّهُ..... ۱۰۵۰
- پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که شیخ کجاست کجا جویم و جواب..... ۱۰۵۱
- جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعانه را از کفر و بیهوده گفتن..... ۱۰۵۳
- واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان دادن ایشان..... ۱۰۵۳
- یافتن مرید مُراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه..... ۱۰۵۳
- حکمت در اینی جاعِلُ فی الْأَرْضِ خَلِیفَةً..... ۱۰۵۵
- معجزه هود علیه‌السلام در تخلص مؤمنان امت به وقت نزول باد..... ۱۰۵۶
- رجوع کردن به قصه قبه و گنج..... ۱۰۵۹
- انابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار و عجز و..... ۱۰۶۰
- آواز دادن هاتف مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت اسرار آن..... ۱۰۶۲
- حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل قوتی..... ۱۰۶۴
- حکایت اشتر و گاو و قج که در راه بند گیاه یافتند هریکی می‌گفت..... ۱۰۶۷
- مَثَل..... ۱۰۶۷
- جواب گفتن مسلمان آنچه دید به یارانش جهود و ترسا و حسرت..... ۱۰۶۸
- منادی کردن سَید مَلِکِ تَزْمِید که هرکه در سه یا چهار روز به..... ۱۰۶۹
- حکایت تعلق موش با چغز و بستن پای هردو به رشته دراز و..... ۱۰۷۴
- تدبیر کردن موش به چغز که من نمی‌توانم بر تو آمدن به وقت..... ۱۰۷۶
- مبالغه کردن موش در لابه و زاری و وصلت جستن از چغز آبی..... ۱۰۷۷

- ۱۰۷۸ ..... لایه کردن موش مر چغز را که بهانه میندیش و در نسیه میندازد.....
- ۱۰۸۲ ..... حکایت شب دزدان که سلطان محمود شش در میان ایشان افتاد.....
- ۱۰۸۶ ..... قصه آنکه گاو بحری گوهر کاویان از قعر دریا برآورد شب.....
- ۱۰۸۷ ..... رجوع کردن به قصه طلب کردن آن موش آن چغز را در لب جو و.....
- ۱۰۸۹ ..... قصه عَبْدُ الْغَوُث و ربودن پریان او را و سالها میان پریان ساکن.....
- ۱۰۹۰ ..... داستان آن مرد که وظیفه‌ای داشت از محتسب تبریز و وامها کرده.....
- ۱۰۹۱ ..... آمدن جعفر رضی الله عنه به گرفتن قلعه‌ای به تنهایی و مشورت.....
- ۱۰۹۴ ..... رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او به امید.....
- ۱۰۹۵ ..... باخبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از اعتماد.....
- ۱۰۹۹ ..... مثلی دو بین همچو آن غریب شهر کاش غمر نام که از یک دکانش.....
- ۱۱۰۰ ..... توزیع کردن پایمرد در جمله شهر تبریز و جمع شدن اندک چیز و.....
- ۱۱۰۴ ..... دیدن خوارزمشاه در سیران در موکب خود اسبی بس نادر و تعلق.....
- ۱۱۰۵ ..... مؤاخذه یوسف صدیق علیه السلام به حبس بضع سنین به سبب.....
- ۱۱۰۷ ..... رجوع کردن به قصه آن پایمرد و آن غریب وام‌دار و بازگشتن.....
- ۱۱۱۲ ..... گفتن خواجه در خواب به آن پایمرد وجوه وام آن دوست را که.....
- ۱۱۱۴ ..... حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را که در این.....
- ۱۱۱۵ ..... بیان استمداد عارف از سرچشمه حیات ابدی و مستغنی شدن او از.....
- ۱۱۱۶ ..... روان شدن شه‌زادگان در ممالک پدر بعد از وداع کردن ایشان شاه.....
- ۱۱۱۹ ..... رفتن پسران سلطان به حکم آنکه الإنسان خریص علی مأمین.....
- ۱۱۲۲ ..... دیدن ایشان در قصر این قلعه ذات الصور نقش روی دختر شاه.....
- ۱۱۲۴ ..... حکایت صدر جهان بخارا که هرسائلی که به‌زبان بخواستی از.....
- ۱۱۲۶ ..... حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یکی امرد، در عزب خانه‌ای.....
- ۱۱۲۷ ..... در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه فرمود مَنهُو مانی لا.....
- ۱۱۲۸ ..... بحث کردن آن سه شه‌زاده در تدبیر آن واقعه.....
- ۱۱۲۸ ..... مقاتل برادر بزرگین.....
- ۱۱۲۹ ..... ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به‌اکراه در مجلس آورد و بنشانند.....
- ۱۱۳۲ ..... روان گشتن شاه‌زادگان بعد از تمام بحث و ماجرا به‌جانب ولایت.....
- ۱۱۳۲ ..... حکایت اِمْرَأُ الْقَیْس که پادشاه عرب بود و به‌صورت عظیم بجمال.....
- ۱۱۳۵ ..... بعد مکث ایشان متواری در بلاد چین در شهر تخت‌گاه و بعد دراز.....
- ۱۱۴۰ ..... بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه داند بَسْطِ.....
- ۱۱۴۲ ..... حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار به.....
- ۱۱۴۲ ..... سبب تاخیر اجابت دعای مؤمن.....
- ۱۱۴۳ ..... رجوع کردن به قصه آن شخص که به‌او گنج نشان دادند به مصر و.....

- رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر شبکو..... ۱۱۴۴
- بیان این خبر که الْكِذْبُ رِيْبَةٌ وَالصَّدَقُ طُمَأْنِينَةٌ..... ۱۱۴۵
- مَثَل..... ۱۱۴۷
- بازگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را شکرگویان و..... ۱۱۴۷
- مکّر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب نآوردن او پند را و..... ۱۱۴۹
- مفتون شدن قاضی برزن جوحی و در صندوق ماندن و نایب..... ۱۱۵۲
- رفتن قاضی به خانه زن جوحی و حلقه زدن جوحی به خشم بردر و..... ۱۱۵۳
- آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن صندوق را از..... ۱۱۵۵
- در تفسیر این خبر که مصطفی صلوات الله علیه فرمود مَنْ كُنْتُ..... ۱۱۵۶
- باز آمدن زن جوحی به محکمه قاضی سال دوّم برامید وظیفه..... ۱۱۵۷
- باز آمدن به شرح قصّه شاهزاده و ملازمت او در حضرت شاه..... ۱۱۵۸
- در بیان آنکه دوزخ گوید که قنطره صراط برسر اوست ای مؤمن..... ۱۱۵۹
- متوفی شدن بزرگین از شهزادگان و آمدن برادر میانین به جنازه..... ۱۱۶۰
- و سوسه ای که پادشاه زاده را پیدا شد از سبب استغنائی و کشفی..... ۱۱۶۵
- خطاب حقّ به عزرائیل که ترا رحم برکه بیشتر آمد از این خلاق که..... ۱۱۶۷
- کرامات شیخ شبیان راعی و بیان معجزه هود علیه السلام..... ۱۱۶۸
- رجوع کردن به قصّه پروردن حقّ تعالی نمرود را بی واسطه مادر و..... ۱۱۶۸
- رجوع کردن بدان قصّه که شاهزاده زخم خورد از خاطر شاه پیش از..... ۱۱۷۰
- وصیت کردن آن شخص که بعد از من او برد مال مرا از سه فرزند..... ۱۱۷۱
- مَثَل..... ۱۱۷۱
- خاتمه..... ۱۱۷۲

کشف الابیات..... ۱۱۷۳